

جریان‌شناسی و پدیدارشناسی فمینیسم از نگاه امام خمینی

□ ابوالقاسم مقیمی حاجی

چکیده

حقوق زن از مباحث مهمی است که در قرون اخیر ذهن اندیشه‌مندان جهان را به خود مشغول نموده است و جریان‌ها و نهضت‌های مختلفی در راستای احیای حقوق زنان و اصلاح وضعیت فردی و اجتماعی آنان شکل یافته است. این جریان در غرب به صورت (فمینیسم) ظهور نمود. در این مقاله به جریان‌شناسی فمینیسم و پدیدارشناسی آن در غرب و به دنبال آن در ایران پرداخته و تحلیل و نگاه امام خمینی را به این جریان پی می‌گیریم و معیارهای اساسی را از نگاه ایشان در شکل‌دهی نظام اصلاحی امور زنان نقل می‌کنیم.

مقدمه

زنان در طول تاریخ تمدن بشری روزهای پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته‌اند و بدیهی است که باید برای رسیدن به وضعیت مطلوب تلاش نمود اما سخن در اینجاست که چه راهی را باید برای شکل‌دهی نظام اصلاحی امور زنان انتخاب کرد؟ برخی، همواره نسخه‌ ارائه شده غربی آن (فمینیسم) را به عنوان تنها و بهترین راه‌حل پیشنهاد می‌کنند و به صورت‌های مختلفی به تبلیغ آن می‌پردازند.

امام خمینی با بهره‌مندی وافر از کوثر زلال معارف اسلامی و با تعمق و تأملی پویا و مجتهدانه در میراث گرانقدر نبوی (ص) و تعالیم ائمه معصومین (ع) به درکی درست و روشن از نظام حقوق زن در اسلام دست یافت که موجب احیای هویت زن مسلمان در جریان انقلاب اسلامی گردید. با توجه به نقش امام در عصر حاضر در تحول اجتماعی - مذهبی در ایران و در نقشی که برای زنان در این تحول بزرگ قائل بودند، بررسی موضوع فوق از نگاه ایشان حائز اهمیت است. برای بررسی هر چه بهتر این موضوع، بحث را در دو زمینه جریان‌شناسی و پدیدارشناسی فمینیسم با توجه به نظریات امام خمینی پی می‌گیریم:

جریان‌شناسی فمینیسم

در طی قرون و اعصار گذشته در جوامع غربی زنان مورد ستم واقع شده و موجود درجه دو به حساب می‌آمدند و از حقوق مدنی محروم بودند. حتی تا اواخر قرن نوزدهم میلادی و در برخی از کشورها تا اوایل قرن بیستم، زنان همچون کودکان حق تصرف در اموال خود را نداشتند^۱ و همچنین تا ربع اول قرن بیستم در بسیاری از کشورهای اروپائی زنان از حق رأی محروم بودند.^۲ در حرکت اصلاحی که به بهانه حقوق بشر از قرن هفدهم میلادی آغاز شد و در قرن هجدهم در فرانسه به ثمر نشست جای حقوق از دست رفته زنان خالی بود. «مونتسکیو» نویسنده شهیر فرانسوی و از بنیان‌گذاران انقلاب کبیر فرانسه در کتاب روح‌القوانین (۱۷۴۸) در بحث از شیوه حکومت و آزادی و حقوق فردی، زنان را موجوداتی با روح‌های کوچک و دارای ضعف دماغی، متکبر و خودخواه، معرفی می‌کند و حتی در اعلامیه حقوق بشر که در سال ۱۷۸۹ در فرانسه به تصویب رسید از برابری حقوق زن و مرد سخنی به میان نیامده است.

نهضت زنان در قرن نوزدهم در فرانسه گسترش یافت و نام فرانسوی «Feminism» به خود گرفت و نوعی اعتراض به تبعیض‌های موجود در جامعه غربی و فراموشی حقوق زن در اعلامیه حقوق بشر بود که بعدها افرادی چون آگوست کنت (۱۸۵۷) و جان استوارت میل (۱۸۶۹) نظریه برابری زن و مرد را در چارچوب فردی و اومانستی مطرح کردند.^۴

□ امام خمینی با بهره‌مندی وافر از کوثر زلال معارف اسلامی و با تعمق و تأملی پویا و مجتهدانه در میراث گرانقدر نبوی(ص) و تعالیم ائمه معصومین(ع) به درکی درست و روشن از نظام حقوق زن در اسلام دست یافت که موجب احیای هویت زن مسلمان در جریان انقلاب اسلامی گردید

این نهضت تا اواخر قرن نوزدهم توفیق چندانی نیافت اما با رشد انقلاب صنعتی بر توفیق و موفقیت آن افزوده شد و به قول ویل دورانت «آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است.»^۵ بعد از نظریه پردازی افرادی چون هانتینگتون^۶ پیرامون یکسان‌سازی فرهنگ جهانی، تلاش وسیعی از سوی غربیان در راستا و برای تحمیل ارزشهای خود بر ملت‌های دیگر آغاز شد و به تعبیر پروفیسور هربرت شیلر (اندیشه‌مند امریکایی) آنها به دنبال «امپریالیسم فرهنگی»^۷ و به دنبال اهداف سیاسی و اقتصادی می‌باشند.

از آنجا که زن در جهت‌دهی خانواده به سوی ارزشها، در مسائل اقتصادی و تعیین الگوی مصرف، در ارائه تلقی از زندگی مطلوب و راه و روش کسب و معاش، و به ویژه در شکل‌گیری الگوی شخصیتی فرزندان و نسل آینده تأثیر شگرف و غیرقابل انکاری دارد، نظریه‌پردازان فرهنگ جهانی توجه ویژه‌ای به زن و مسائل زنان نمودند و آنان را به عنوان نقطه ثقل فعالیت‌های خود در مسائل سیاسی - فرهنگی و اقتصادی قرار دادند. از این روی همراه با ترویج و تبلیغ دموکراسی، لیبرالیسم، توسعه و... به عنوان نسخه شفابخش برای همه ملل جهان، فمینیسم را نیز مطرح نمودند و به مدد روشنفکران کشورهای شرقی در صدد القای این اندیشه هستند که زنان همه کشورهای اسلامی و غیراسلامی اگر می‌خواهند به موقعیت مناسب اجتماعی برسند و حقوق از دست رفته خود را باز یابند چاره‌ای جز بهره‌گیری از راهکارها، برنامه‌ها و الگوهای معرفی شده آنان ندارند.

متأسفانه در ایران نیز حرکت‌هایی که بعد از مشروطه و به ویژه در دوران پهلوی^۸ مدعی اصلاح امور زنان بودند تحت تأثیر همین نوع سیاست‌گذاری‌ها بودند و خواسته و ناخواسته مبلغ برنامه‌های فمینیسم غربی و تقلید از آنان بودند.

امام خمینی با تأکید بر همین نکته بر سیاست‌های تخریبی رژیم پهلوی درباره زنان اشاره کرده و آن را ظلم جدیدی بر زنان معرفی می‌کند:

«مع‌الأسف زن در دو مرحله مظلوم بوده است: یکی در جاهلیت، در جاهلیت، زن مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید، مرحله جاهلیت، مرحله‌ای بود که زن را مثل حیوانات بلکه پایین‌تر از او، زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید.

در یک موقع دیگر در ایران ما زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق بود و شاه لاحق بود، با اسم این که زن را می‌خواهند آزاد کنند ظلم کردند به زن؛ زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند. زن را از آن مقام معنویت که داشت شئی کردند. به اسم آزادی، آزاد زنان و آزاد مردان، آزادی را از زن و مرد سلب کردند»^۹. ایشان در جای دیگری درباره ماهیت این آزادی می‌گویند:

«آن آزادی را آنها می‌خواهند که من از این تعبیر می‌کنم به آزادی وارداتی، آزادی استعماری، یعنی یک آزادی که در ممالکی می‌خواهند وابسته به غیر باشد این آزادی‌ها را سوغات می‌آوردند»^{۱۰}.

امام جریان فمینیسم را در ایران که از زمان پهلوی اول انجام شده بود دستوری استعماری و وارداتی برای به غفلت کشاندن جوانان و اجتماع و فلج کردن رشد و بالندگی جامعه می‌دانست تا زمینه‌های چپاول و استعمار بهتر فراهم گردد. ایشان در این باره می‌گویند:

«از کارهایی که اینها کردند که دیدیم بر ضد ملیت ما، بر ضد مصالح کشور ما بود، مثل قضیه کاپیتولاسیون، مثل قضیه کشاورزی، مثل سایر قضایا، می‌فهمیم که اصل اساس بر این بود که انحراف درست کنند، اساس بر اصلاحات نبود، اساس این بود که نگذارند مملکتی رشد بکند و لهذا از آن می‌فهمیم که آن کشف حجابی که رضاخان به تبع ترکیه و به تبع غرب و به مأموریتی که داشت، آن برخلاف مصلحت مملکت ما بود»^{۱۱}

یا می‌فرمایند:

«قضیه کشف حجاب یک مطلبی نبود که اینها می‌خواستند زنها را، مثلاً ده میلیون زن را بیاورند در جامعه وارد کنند، اینها یک دستوراتی بود که اینها می‌گرفتند از خارج و برای اسارت ما اجرا می‌کردند.»^{۱۲}

غرب‌زدگی و پیروی از سیاست‌های غربی در جریان فمینیسم در ایران تا جایی پیش رفت که خود حامیان این جریان زبان به اعتراف باز نموده و نیرهِ توحیدی (یکی از حامیان جدّی فمینیسم) در انتقاد به برخی از فمینیست‌های شرقی در یکی از مجله‌های خارجی می‌نویسد:

«فمینیست‌های ایرانی که امروز با نظریات فمینیست‌های اروپایی - امریکایی آشنا می‌شوند متوجه دو نکته نیستند: ۱. تاریخچه این نظریات یعنی اساساً تاریخ تحول اندیشه‌های فمینیستی در غرب و آغاز آن و روند فکر و عقیدتی آنها و شباهت او و تفاوت‌هایی که با جنبش زنان در کشورهای پیرامونی (جهان سوم) بخصوص جوامع مسلمان داشته و دارد. ۲. شناخت مناسبات قدرت در پشت نظریه یا هر گفتمان. به عنوان مثال خصلت اروپا محوری در نظریه‌ها و تئوری‌ها که گاه حتی نژادگرایانه و امپریالیستی است که در طی چند دهه اخیر مورد چالش و نقد دیگران قرار گرفته است.»^{۱۳}



دست‌اندرکاران مدعی فرهنگ جهانی برای نیل به اهداف خود از وسایل ارتباط جمعی، بنیادها و مؤسسات بین‌المللی و بالاخره میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی به خوبی بهره‌جسته‌اند. فعالیت‌های فرهنگی بنیادهای سرمایه‌داری نظیر بنیاد کارنگی، فورد، راکفلر نمونه‌ای از جریان «غربی‌سازی» جهان است که به دنبال آن در مسائل حقوق زن نیز مبالغه‌زیادی را هزینه می‌کنند، و در این راستا مقالات و کتبی را در زمینه حقوق اسلامی سفارش داده تا مطابق آراء آنان برداشت‌هایی از فقه و معارف دینی ارائه گردد. به نمونه‌ای از تلاش‌های پشت‌پرده مؤسساتی از این دست توجه کنید:

«دو مرکز امریکایی به نام‌های «بنیاد فورد» و «سازمان اعانه ملی برای دموکراسی» بودجه‌ای را در اختیار یک مهره‌رژیم پهلوی قرار داده‌اند تا کتابی در زمینه «حقوق زن در اسلام» تدوین و منتشر کند.»^{۱۴}

این مطالب و ده‌ها شاهد دیگر از مقالات و کتب و سخنرانی‌های^{۱۵} افراد مدعی این جریان که تصریح بر وابستگی فکری و سیاسی آنها دارد، هر فرد خردورزی را نسبت به سلامت این نهضت به شک و تردید می‌اندازد و انسان آگاه را به تأمل وامی‌دارد که به راستی در دنیایی که مدعیان آزادی و حقوق زن‌ها برای نیل به اهداف سیاسی خود دست به هر جنایتی می‌زنند و به هیچ یک از مرزهای اخلاقی پایبند نیستند، چه مقاصدی را در ورای این مطالب فریبنده دنبال می‌کنند؟

پدیدارشناسی فمینیسم

فمینیسم از زمان پیدایش تاکنون به گرایش‌های مختلفی تقسیم شده است از جمله آن فمینیسم لیبرال، مارکسیستی، رادیکال و فمینیسم فرامدرن.

با وجود اختلافات فراوان در دیدگاه‌های فمینیستی می‌توان به وجه مشترک تمامی آنها اشاره کرد. آنها در راستای اصلاح وضعیت زنان و برطرف نمودن فرودستی آنان یافته‌های ناقص بشری را منبع و معیار تشریح و قانون‌گذاری می‌دانند و از آنجا که بستر پیدایش آن تحت نفوذ مسیحیت و

یهودیت قرار داشت و این مذاهب تحریف شده با عدم پویایی لازم و دخل و تصرف‌هایی که در طول ادوار مختلف در آنها واقع شده است قادر به پاسخگویی به نیازمندی‌های روز نبودند، نهضت فمینیسم با حمله بر قوانین مذهبی و اخلاقی به راه خود ادامه داد.

مهرانگیز کار (از حقوق‌دانان وابسته به جریان روشنفکری) به بازشناسی این جریان فرهنگی

پرداخته و می‌گوید:

«در ایران امروز دو جریان فرهنگی موضوع حقوق زنان را در متن گفتمان فرهنگی خود قرار داده‌اند. ۱. جریان روشنفکری لائیک که پیشینه‌ای طولانی در تاریخ معاصر ایران دارد و به موضوع حقوق زن در چارچوب حقوق بشر می‌پردازد. ۲. جریان روشنفکری دینی که قصد دارد از دین مفهوم تازه‌ای ارائه دهد و اظهارنظر پیرامون موازین فقهی را برای تمام پژوهشگران موجه سازد. این جریان در چارچوب جدایی دین از سیاست، حقوق زن را متناسب با ضوابط حقوق بشر مورد سنجش قرار می‌دهد.»^{۱۶}

ایشان به درستی بر تفاوت‌ها و تشابه‌های این دو جریان انگشت نهاده است. ضوابط و چارچوب‌های حقوق بشر غربی و انگاره سکولاریسم یا جدایی دین و سیاست در هر دو جریان به عنوان معیار و محور تحولات فرهنگی در حوزه زنان شناخته شده است و از همین جا چالش جدی این دو جریان با جریان اصیل دینی روشن می‌شود و نقد آن پدیدار می‌گردد.

ویژگی‌های طیف غیردینی

علاوه بر مطالب ذکر شده می‌توان از جریان غیردینی در دفاع از حقوق زن به اشکالات ذیل

اشاره نمود:^{۱۷}

الف: استفاده ابزاری از دین؛

ب: عدم ارایه طرح و الگویی مشخص و عملی؛

ج: پذیرش منفعلانه حقوق غربی؛

د: دین‌زدایی از حرکت اصلاحی زنان و نفی قوانین دینی.

این نهضت اگر هم به نتایج مثبتی دست یافته باشد باید دید چه بهایی برای آن پرداخته

است و جامعه غربی را به چه سوئی سوق داده است که از جمله آن می‌توان به ایجاد تقابل میان زن و مرد، ایجاد ظلمی جدید بر علیه زنان به عنوان کالای تجاری و تبلیغاتی و تجارت سکس و...، تغییر نظام ارزشی و تزلزل خانواده‌ها و... اشاره نمود.

امام خمینی درباره آثار سوء این جریان می‌گویند:

«قلم‌های مسموم خطاکار و گفتار گویندگان بی‌فرهنگ در این نیم قرن سیاه اسارت بار عصر ننگین پهلوی زن را به منزله کالایی خواستند درآوردند و آنان را که آسیب‌پذیر بودند به مراکزى کشیدند که قلم را یارای ذکر آن نیست. هر کس بخواهد شمه‌ای از آن جنایات مطلع شود به روزنامه‌ها و مجله‌ها و شعرهای اوباش و اراذل زمان رضاخان از روزگار تباه کشف حجاب الزامی به بعد مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد، رویشان سیاه و شکسته باد قلم‌های روشنفکرانه آنان و گمان نشود که آن جنایات یا اسم آزاد زنان و آزادمردان بدون نقشه جهانخواران و جنایتکاران بین‌المللی بود.»^{۱۸}

ایشان در موارد دیگری نتیجه سیاست‌های غرب‌زده نظام پهلوی را درباره زنان، ملعبه شدن آنها در دست مردان^{۱۹}؛ غرق شدن در تجملات و ابزار آرایش^{۲۰}؛ غور در مجالس فساد و گسترش عشرتکده‌ها^{۲۱}؛ کم‌رنگ شدن مقام والای زن و مقام مادری و تربیت نسل و از هم پاشیدن کانون گرم خانواده می‌داند.^{۲۲}

بازتاب سیاست‌های تقلیدی فمینیسم در فکر و اندیشه پیروان غرب‌زده آنها به حدی است که در مقالات خود به صراحت به آثار سوء نام برده شده، اشاره می‌کنند و آن را جزئی از مراحل اجرای این طرح می‌دانند و از بیان آن ابائی ندارند. مطالعات فرشی

به عنوان مثال مطالبی که در یکی از مقاله‌های دفاع از فمینیسم در مجله زنان از همین جریان ذکر شده قابل توجه است:

«فمینیسم تنها ایدئولوژی است که به حریم خانه‌ها وارد می‌شود، و خصوصی‌ترین روابط و عمیق‌ترین باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، الگوهای رفتاری و حتی باورهای مذهبی‌مان را پرسش‌برانگیز می‌کند.»^{۲۳}

و در ادامه آن مقاله می‌آورند:

«به عقیده ما، فمینیسم تنها به معنی رد ارزش‌های پدرسالارانه و مردانه به عنوان تنها

شکل معتبر، نیست. فمینیسم یعنی بازنگری و ارزیابی مجدد همه چیز.^{۲۴}

ویژگی‌های طیف دینی (تجدیدنظر طلب)

از طرف دیگر عده‌ای با برداشت «پست مدرنیستی» از فمینیسم به دنبال ارایه الگویی مطابق با کشورهای اسلامی هستند و بر این تصورند این قرائت از فمینیسم حساسیت حکومت‌ها و طیف اجتماعی مردم را برنخواهد انگیخت و راه هموارتری دارند و به دنبال این نگاه درصدد تجدیدنظر در قوانین حقوقی اسلام و احکام فقهی می‌باشند. اما متأسفانه به دلیل نداشتن درک درستی از اجتهاد و فقاہت، به ورطه تجدیدنظر طلبی می‌افتند و در مقالات فقهی خود^{۲۵} مطالبی می‌آورند که با مبانی و منابع پذیرفته‌شده اجتهاد شیعی سازگار نیست.

از ویژگی‌های این طیف می‌توان به نکات ذیل اشاره نمود:

۱. ناآگاهی یا تجاهل نسبت به مسئله اجتهاد و تخصصی بودن علم فقه همانند سایر علوم.

۲. غفلت از مبانی اجتهاد:

الف - درک نادرست از «حکم الهی»، آنچه فقیه در مسیر اجتهاد با رعایت همه شرایط استنباط به آن می‌رسد حکم الهی است اما حکم ظاهری الهی نه واقعی اما همین حکم بر فقیه و مقلدان او لازم‌الاجرا است.

ب - برداشت نادرست از «حکم امضایی» که خیال می‌کنند به مجرد اثبات امضایی بودن حکمی می‌توان از آن دست برداشت و یا به هر بهانه‌ای حکمی را امضایی و قابل تغییر جلوه داد.^{۲۶} درباره مورد اخیر باید گفت:

۱. درست است که اسلام قوانین و سنت‌هایی که مطابق با قواعد شرع و مصالح واقعی بوده مورد امضاء قرار داد اما به راستی مرز میان اینکه حکمی تماماً امضایی و یا تأسیسی بوده چیست؟ جدای از اینکه در بسیاری از احکامی که امضایی است مثل باب معاملات، تغییری در اصل آنها دیده نمی‌شود.

۲. هیچ ملازمه‌ای میان امضایی بودن حکمی با عدم ثبت و دوام آن نیست. وقتی حکمی

مورد امضاء واقع شد مانند سایر احکام دائمی و ابدی است.

۳. خداوند در قالب شعائر دینی و احکام فردی و اجتماعی مصالح واقعی را قرار داده است و نیل به سعادت و کمال جز از راه اعتقاد و عمل به معارف دینی ممکن نیست و بازگشایی و اعمال سلیقه و استحسنات شخصی برای همه آن هم در حیطه تخصصی چیزی جز نفی دینی نیست.

۴. پیامبر اسلام به شهادت معجزات و به نص صریح قرآن دین اسلام را به عنوان مجموعه‌ای کامل و جامع از جانب خداوند به مردم ابلاغ نمود و حتی کلمه‌ای از جانب اجتهادات شخصی بر آن نیفزود لذا دین اسلام و احکام آن از وحی سرچشمه گرفته است و نفی آن و انتساب دینی به اجتهادات شخصی^{۲۷} پیامبر! نفی شارع مقدس و نفی احکام الهی است.

اسلام و حقوق زنان

فمینیست‌هایی که برای کشورهای اسلامی ارائه الگو نمودند از این نکته غفلت کردند که در اسلام زن از نعمت مالکیت، ارث، حق تحصیل و بسیاری حقوق دیگر بهره‌مند است و از ارکان نظام مستحکم خانواده به حساب می‌آید و از شأن و منزلت خاصی برخوردار است؛ به فرموده امام خمینی:

«در اسلام] از نظر حقوق انسانی تفاوتی بین زن و مرد نیست زیرا هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد بلکه در بعضی موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد.»^{۲۸}

بر این اساس باید برای احقاق حقوق زن نکات ذیل را مورد توجه قرار داد.

۱. توجه به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد

اسلام قائل به «تساوی» حقوق زن و مرد است نه «تشابه» ظاهری آنها. با مراجعه به استعدادها و احتیاجات طبیعی زن و مرد در می‌یابیم که آنها در جهات مختلفی با یکدیگر تفاوت دارند و دست خلقت هر یک از آنها را برای کار و مسؤولیت متفاوتی آفریده است. بنابراین زن و مرد گرچه از نظر انسانی از حقوق مساوی برخوردارند اما به دلیل تفاوت‌های طبیعی و استعدادهای

□ امام خمینی، نتیجه سیاست‌های غرب‌زده نظام پهلوی را درباره زنان، ملعبه شدن آنها در دست مردان، غرق شدن در تجملات و ابزار آرایش، غور در مجالس فساد و گسترش عشرتکده‌ها، کمرنگ شدن مقام والای زن و مقام مادری و تربیت نسل و از هم پاشیدن کانون گرم خانواده می‌دانند

متفاوتی که در وجود هر یک از آنها نهاده شده عدالت بر آن است که در زندگی خانوادگی از حقوق مشابه برخوردار نباشند بلکه هر یک از آنها جایگاه و موقعیت خاص و وظایف و تکالیف ویژه خود را دارا است. اشتباه فمینیست‌ها در این است که صرفاً بر تشابه ظاهری بدون توجه به نیازها تأکید می‌ورزند و به غلط کلمه تساوی را به کار می‌برند.^{۲۹}

امام خمینی در پاسخ به پرسشی مبنی بر این که شما چه نقش و چه حقی را برای زنان در نظام اسلامی قائل هستید، می‌گویند:

«در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد: حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد لیکن هم در مرد مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفساد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل این که مفسده می‌آفریند، حرام است، ... اگر اختلافی برای هر دو هست، آن مربوط به طبیعت آنان است».^{۳۰}

و در جای دیگری در تبیین تساوی میان زن و مرد می‌فرماید:

«از حقوق انسانی تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در

سرنوشت خویش را همچون مرد دارد».^{۳۱}

۲. نفی تقابل و تضاد زن و مرد و توجه به کانون خانواده

در فرهنگ قرآن زن و مرد در نظام خانواده مایه سکون و آرامش یکدیگرند^{۳۲} و شهید

مطهری در این باره می‌گوید:

«گامی که اسلام در طریق حقوق زن برداشت با آنچه در مغرب زمین می‌گذرد متفاوت است، اول: در ناحیه روان‌شناسی زن و مرد که اسلام در این زمینه اعجاز کرد... دوّم: اسلام در عین آن که زنان را به حقوق اسلامی‌شان آشنا کرد و به آنها شخصیت و حریت و استقلال داد هرگز آنها را به تمرّد و عصیان و طغیان وادار نکرد... و اساس خانواده را متزلزل نساخت و زنان را به شوهرداری و مادری و تربیت فرزند بدبین نکرد.»^{۳۳}

امام خمینی در جریان انقلاب و دفاع مقدس توانست با احیای مجدّد حقوق زن در اسلام، زنان را از آن وضعیتی که پیدا کرده بودند به جایگاه درست و شایسته‌اش برساند و در عین برخوردار از مواهب اجتماعی و حضور در جامعه و رسیدن به حقوق و مزایایی که شرع مقدس اسلام برای آنها قرار داده است از تقابل بیهوده بین این دو قشر جلوگیری کرده بلکه همانند دو بال برای پیشبرد انقلاب و دفاع مقدس از آنها یاری طلبید.

نظام فکری امام به گونه‌ای بود که در عین احقاق حقوق زن، اتحاد و به هم پیوستگی و مشارکت آنان با مردان جامعه بیشتر و سبب تعالی جامعه گردید. ایشان در این باره می‌فرماید:

«خانم‌هایی که در قبل وضعشان یک نحو دیگری بود و رژیم (پهلوی) آنها را به یک مسائل دیگری مشغول کرده بود، متحول شدند و به کسانی که در مقابل رژیم ایستادند و با برادرها همدوش بلکه مقدم در این نهضت شرکت کردند، این تحول‌ها تحول‌های اعجاز‌آمیز بود.»^{۳۴}

ایشان با تأیید حضور اجتماعی زنان و اشتغال آنها با حفظ شوون اسلامی همواره بر استحکام نظام خانواده و نقش مادری و تربیت نسل بعدی در دامن پاک مادران تأکید داشته و این وظیفه را همانند وظیفه انبیاء برمی‌شمارد.^{۳۵}

ایشان در جمع زنان شاغل در آموزش و پرورش می‌گویند:

«شما خانم‌ها... دو شغل شریف دارید... یکی شغل تربیت فرزند که این از همه شغل‌ها بالاتر است. یک فرزند خوب، شما اگر به جامعه تحویل بدهید برای شما بهتر است از همه عالم... دامن مادرها دامن‌ی است که انسان از آن باید درست شود... این شغل که شغل انبیاء است، انبیاء هم

□ «خانم‌هایی که در قبل وضعیتشان یک نحو دیگری بود و رژیم [پهلوی] آنها را به یک مسائل دیگری مشغول کرده بود، متحول شدند و به کسانی که در مقابل رژیم ایستادند و با برادرها همدوش بلکه مقدم در این نهضت شرکت کردند، این تحول‌ها، تحول‌های اعجاز‌آمیز بود»

آمدند برای این که انسان درست کنند.»^{۳۶}

و به تعبیر مقام معظم رهبری جریان اسلامی از حقوق زن «به دنبال آن است که زن در جامعه با شکوفایی استعدادهایش به صورت انسان کامل درآید، انسانی که می‌تواند به پیشرفت بشریت و جامعه خود کمک کند و در محدوده توانایی‌های خود دنیا را به بهشت برین و زیبایی مبدل کند؛ [اما در جریان کوتاه‌بینانه غربی]... هدف آن است که یک نوع حالت تخاصم و جدایی و رقابت خصمانه میان دو جنس زن و مرد به وجود بیاورد و دنیایی بر اساس رقابت بسازد که هر یک بخواهد بر دیگری غالب آید.»^{۳۷}

۳. توجه به حقوق و اخلاق در کنار هم

برقراری ثبات و آرامش زندگی خانوادگی نمی‌تواند تنها بر پایه ضوابط خشک حقوقی استوار باشد، انسان و «بشریت هم به اخلاق نیاز دارد و هم به حقوق... دین مقدس اسلام این امتیاز را دارا بوده و هست که حقوق و اخلاق را توأماً مورد عنایت قرار داد.»^{۳۸}

امام راحل نیز بر این اساس قائل است اسلام برای زنان و مردان آزادی حقیقی را به ارمغان آورد اما به این معنا نیست که مردان در اعمال هر ظلم بر زنان آزاد باشند؛ لذا در سایه احیای حقوق از یک طرف و الزام مردان به رعایت حقوق زنان و دفاع از آنان و از طرف دیگر به ارائه دستورات اخلاقی به جامعه و خداآوری و این که مردان ما در مقابل پیشگاه دادگاه عدل الهی

پاسخ گو خواهند بود، می شود مطمئن بود که حقوق زنان حراست می شود و گرنه در جامعه غیردینی، نمی توان به طور کامل و جامع، حقوق زن را در همه بسترهای اجتماعی آن احیاء نمود و پاس داشت.

امام خمینی درباره دفاع از زن در حقوق اسلامی می گوید:

«اگر مردی با زن خودش بدرفتاری کرد در حکومت اسلامی او را منع می کنند، اگر قبول نکرد

تعزیر می کنند، حد می زنند و اگر قبول نکرد مجتهد طلاق می دهد.»^{۳۹}

امام درباره نقش سازنده دین و اخلاق در کنترل و تهذیب انسان ها می گوید:

«انبیا آمدند قانون ها آوردند و کتاب های آسمانی بر آنها نازل شد که جلوگیری از اطلاق و

زیاده روی طبیعت کنند و نفس انسانی را تحت قانونی عقل و شرع در آورند و آن را مرتاض و

مؤذّب کنند که خارج از میزان عقل و شرع رفتار نکنند.»^{۴۰}

پس در سایه توأمان حقوق و اخلاق می توان به رعایت و احیای همه جانبه و فراگیر حقوق

زنان مطمئن بود که این جز در سایه تعالیم حیات بخش اسلام ممکن نیست.

۴. حفظ استقلال و پرهیز از انفعال

امام خمینی در راستای احیای حقوق زنان به آنها سفارش می کند که در فکر و اندیشه و

عمل، خودباوری را رعایت کرده و از تقلید از غرب پرهیز کنند.

«تا این خانم ها... توجهشان به این است که فلان چیز باید، فلان مُد باید از غرب به این جا

بیاید، فلان زینت باید از آنجا به اینجا سرایت بکند، تا یک چیزی آنجا پیدا می شود اینجا هم تقلید

می کنند، تا از این تقلید بیرون نیایید نمی توانید آدم باشید، و نه می توانید مستقل باشید اگر

بخواید مستقل باشید، اگر بخواهید شمارا به این که یک ملتی هستید بشناسند و بشوید یک ملت

از این تقلید غرب باید دست بردارید.»^{۴۱}

ایشان درباره نظام ارزشی در جامعه بر آموزه های اسلامی تأکید کرده و در این باره زنان را از

غرب زدگی و برخورد انفعالی برحذر می دارد و آنها را به استقلال و پافشاری بر ارزش های اخلاقی

فرا می خواند:

«در رژیم سابق شأن و مرتبت عبارت از آرایش مهووع و لباس های کذا و منزلگاه های کذا بود

□ در جامعه غیردینی نمی‌توان به طور کامل و جامع، حقوق زن را در همه بسترهای اجتماعی آن احیاء کرد و پاس داشت

□ امام خمینی، زنان را از غربزدگی و برخورد انفعالی بر حذر می‌دارد و آنها را به استقلال و پافشاری بر ارزشهای اخلاقی فرامی‌خواند

و امروز ارزش، ارزش انسانی است، ارزش اخلاقی است... آن روز تابع آرایش اروپایی بود و باید از اروپا طرح لباس بیاید، امروز تابع مکتب هستند و آنچه اسلام بیسندد مقبول است و این یک تحولی است که بالاترین تحولات است در جامعه ما. نگه دارید این تحول را، توجه کنید به این که دستهای فاسد و قلم‌های فاسد و گفتارهای فاسد شما را به اغفال نکشاند... این راه را ادامه دهید... و هیچ توجه به صحبت‌ها و قلم‌ها و سخنرانی‌هایی که می‌شود نکنید و خودتان مستقل فکر کنید و تابع افکار دیگران نباشید و خودتان برای کشور خودتان کوشش کنید که مفید باشید.»^{۴۲}

استاد شهید مطهری درباره تحمیل الگوهای غربی بر زنان مسلمان می‌نویسد:

«من هرگز ادعا نمی‌کنم حقوقی که عملاً در اجتماع به ظاهر اسلامی ما نصیب زن می‌شود ارزش مساوی با حقوق مردان داشته است. بارها گفته‌ام که لازم است و ضروری است به وضع زن امروز رسیدگی کامل بشود و حقوق فراوانی که اسلام به زن اعطا کرده و در طول تاریخ عملاً متروک شده به او پس داده شود؛ نه این که با تقلید و تبعیت کورکورانه از روش مردم غرب - که هزاران بدبختی برای خود آنها به وجود آورده - نام قشنگی روی یک فرضیه غلط بگذاریم و بدبختی‌های نوع غربی را بر بدبختی‌های نوع شرقی زن بیفزاییم.»^{۴۳}

۵. پرهیز از تجدد مآبی و تحجرگرایی

دو آفت جوامع اسلامی «تجددمآبی» و «تحجرگرایی» است. عده‌ای چنان شیفته شرایط جدید اجتماعی و فرهنگی در کشورهای پیشرفته شده و مبهوت دنیای صنعتی آنان می‌شوند که از

ارزش‌های درستی که دارند غفلت می‌ورزند و تابعیت محض را خواستار می‌شوند و در مقابل عده‌ای به انگیزه حفظ ارزش‌ها هر نوع پویایی و بالندگی را نفی کرده تا بدانجا که برخی از تعالیم روشن دین را کنار گذاشته به ورطه فراموشی می‌سپارند.

حقوق زنان نیز در جامعه ما از این دو آفت رهایی نداشته و با آن دست به گریبان بوده

است.^{۴۴}

امام خمینی از آغاز نهضت اسلامی و احیای دین در عصر حاضر با هر دو جریان به مقابله پرداخت. در مطالب پیش گفته به خوبی روشن است که ایشان زنان را از غربزدگی و تجددمآبی و تقلید از فرهنگ وارداتی برحذر می‌داشت و از طرف دیگر برخلاف سنت رایج زنان را به عرصه اجتماع وارد کرد و در طول مبارزه با رژیم پهلوی و در جریان دفاع مقدس از حضور جدی آنان در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی نه تنها دفاع می‌نمود بلکه از زنان جامعه به خاطر این حضور و احساس مسئولیت تقدیر و تشکر می‌کرد. البته ایشان همواره بر حفظ شئون اسلامی تأکید داشتند.^{۴۵}

در پایان یادآور می‌شویم که انقلاب اسلامی ایران و نقش فعال زنان در آن شاهدی صادق بر مدعاست که با تمسک به قوانین حیات‌بخش اسلام می‌توان به احیای حقوق زنان دست زد و به شکوفایی استعدادهای آنان کمک نمود.

زنان ایران اسلامی به بهترین شکل ممکن با ایثار و پایه‌گذاری و فداکاری خود در جریان انقلاب و جنگ تحمیلی نقش تعیین‌کننده خود را در حیات اجتماعی جلوه‌گر ساختند.

و همه اینها در سایه اجرای احکام الهی و با رهبری و رهنمودهای امام خمینی و سایر اندیشه‌مندان دینی تحقق یافت نه در زیر لوای حرکت‌های فمینیستی که برای زنان غرب تباهی و بدنامی و لکه‌دار شدن شرافت انسانی آنها را به ارمغان آورد.

پی‌نوشتها:

۱. شایگان، سیدعلی، حقوق مدنی ایران، به کوشش محمدرضا بندرچی، چاپ اول، تهران، طه، ۱۳۷۵، ص ۲۶۴.
۲. آندراس ابی، و زینسرجی، دفاع از برابری تعارض قانونی و سیاسی زنان، جنبش‌های حقوق برابر در اروپا، ترجمه مریم خراسانی، جامعه سالم، سال ۶، شماره ۳۰، اسفند ۱۳۷۵.
۳. معاونت امور اساتید معارف، نگاهی به فمینیسم، تازه‌های اندیشه ۲، چاپ اول، طه، قم ۱۳۷۷، ص ۸.
۴. استوارت میل، جان (کنیزک کردن زنان) ترجمه خسرو ریگی، نشر بانو، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۵. ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، چاپ هشتم، تهران، نشر دانشجویی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۱.
۶. هانتینگتون، ساموئل، غرب، غریب نه غالب، راه نو، سال اول، شماره ۶، خرداد ۱۳۷۷.
۷. شیلر، هربرت، وسایل ارتباط جمعی و امپراطوری امریکا، ترجمه احمد میرعابدینی، ج اول تهران، سروش، ۱۳۷۷، ص ۴۰.
۸. تشکری، زهرا، زن در نگاه روشنفکران، چاپ اول، طه، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۱-۱۳.
۹. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۸.
۱۰. همان، ج ۱۰، ص ۵.
۱۱. همان، ج ۷، ص ۳۳۳.
۱۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۱.
۱۳. توحیدی، نیره، فمینیسم و دموکراسی اسلام‌گرایی، چاپ اول، لوس‌آنجلس، دسامبر ۱۹۶۶، ص ۱۰.
۱۴. ماهنامه صبح، بهمن ۱۳۷۵، شماره ۶۶، ص ۸.
۱۵. مهدی، علی اکبر «گفت و شنودی با مهرانگیز کار»، پر، سال دوازدهم، شماره ۱۴۲، آبان ۱۳۷۶.
- توحیدی، نیره، فمینیسم و دموکراسی و اسلام‌گرایی، همان، ص ۱۴.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان، چاپ اول، طه، تهران، ۱۳۷۹، ص ۸۶-۷۶.
۱۶. کار، مهرانگیز، امنیت قضایی زنان در ایران، ایران‌نامه، سال پانزدهم، شماره ۳، ص ۴۲۲.
۱۷. رجوع شود به: شفیعی سروستانی، ابراهیم، جریان‌شناسی دفاع از... همان، ص ۷۵ تا ۸۷.
۱۸. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۷۴.
۱۹. همان، ج ۱۱، ص ۲۵۴.
۲۰. رک. همان، ج ۶، ص ۳۰۱.
۲۱. رک. همان، ج ۱۳، ص ۱۹۲.
۲۲. رک. همان، ج ۸، ص ۹۰ و ۹۱.
۲۳. مقاله «این همه هراس از فمینیسم، چرا؟» ترجمه نازنین شاه رکتی، مجله زنان، شماره ۱۰۹، سال ۸۳، ص ۵۸.
۲۴. همان.
۲۵. رک: «قضاوت زن» مجله زنان، سال اول، شماره ۴، اردیبهشت ۱۳۷۱ و شماره ۵، خرداد و تیر ۱۳۷۲.
- «داوری زنان در اختلاف خانوادگی» زنان، سال اول، ش ۶، مرداد ۱۳۷۱ و شماره ۷ شهریور و مهر ۱۳۷۱.
- «اجتهاد و مرجعیت زنان» زنان، سال اول، شماره ۸، آبان و آذر ۱۳۷۱.
- «جایگاه زن در فقه کیفری اسلام» زنان، سال دوم، ش ۱۳، شهریور ۱۳۷۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- «بلوغ دختران فقهی یا طبیعی» زنان، سال چهارم، ش ۲۵، مرداد و شهریور ۱۳۷۴.
- «خونبهای زنان چرا نابرابر» زنان، سال ششم، ش ۳۷، شهریور و مهر ۱۳۷۶.
۲۶. شفیع سروسستانی، ابراهیم، جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان، همان، ص ۹۹ تا ۱۰۹.
۲۷. مجله زنان، شماره ۸۲، همان، ص ۴۹.
۲۸. صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۶۴ و همچنین شهید مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ ۲۷، صدرا، قم، ص ۱۱۴-۱۱۵.
۲۹. نظام حقوق زن در اسلام، همان، ۱۲۲-۱۲۶.
۳۰. صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۸۹.
۳۱. همان، ج ۴، ص ۳۶۴.
۳۲. سوره روم، آیه ۲۱.
۳۳. نظام حقوق زن در خانواده، همان، ص ۷۶.
۳۴. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۹۷.
۳۵. رک. همان، ج ۷، ص ۳۳۲ و ج ۸، ص ۹۰.
۳۶. صحیفه امام، ج ۸، ص ۹۰.
۳۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۸/۱.
۳۸. نظام حقوق زن در خانواده، همان، ص ۲۴۷.
۳۹. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۲.
۴۰. چهل حدیث، ص ۲۱۶-۲۱۷.
۴۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۶۲.
۴۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۹۸-۱۹۷.
۴۳. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۲۴.
۴۴. همان، ص ۹۸.
۴۵. رک. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۰۲-۴۰۱ و ج ۱۴، ص ۳۵۵ و ۳۵۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی